

متن پیاده سازی شده جلسه پنجاه و چهارم سال پنجم درس خارج فقه القضا 26 دی ماه 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی ادعای ظهور ادله اذان در مباشرت

اگر مستحضر باشید برخی از بزرگان با استناد به این که ادله اذان، ظاهر در مباشرت است اخذ اجرت بر اذان را مجاز ندانسته‌اند. برخی مثل صاحب جواهر، در دلالت روایات بر منع اخذ اجرت بر اذان مناقشه دارند؛ اما به دلیل ظهور ادله اذان در مباشرت، گرفتن پول در مقابل اذان را اجازه نمی‌دهند. آقای خوئی دلالت روایات بر منع اخذ اجرت را می‌پذیرند همچنین شرط مباشرت در اذان را هم قبول دارند.

این بحث مباشرت کاربردهای زیادی در قسمت‌های مختلف دارد.

بزرگانی مثل صاحب جواهر و آقای خوئی می‌فرمایند ادله، ظهور در مباشرت دارد و لذا اجازه بر اذان گفتن باطل است.

صاحب جواهر نسبت به اذان صلاتی فرموده است: «ظاهر الادلة كون الخطاب به كخطاب الصلاة و قنوتها و تعقیبها یراد منه مباشرة من المكلفین... او السماع على الوجه المخصوص دون النيابة»

لكن اذان اعلامی را مشروط به مباشرت شخص خاص نمی‌داند و لذا اجازه آن را تنها به دلیل خاص ممنوع می‌داند.

آقای خوئی هم می‌فرمایند: «لظهور ادلة في اعتبار المباشرة كما لا يخفى»

آقای حکیم در ظهور ادله در مباشرت تأمل دارند. ایشان وقتی از جواهر، ظهور ادله در مباشرت را نقل می‌کنند؛ می‌فرمایند: «و فيه ان ذلك لو سلم فانما يمنع من وقوع الاجارة على الاذان بعنوان النيابة اما لو كان على الاذان المأتی به لصلاة الاجیر لغرض للمستأجر في ذلك... فلا يصلح للمنع عنها»

این «لو سلم» یعنی ایشان در اینجا اشکال دارند. ما می‌خواهیم میزان مستند بودن ادعای ظهور ادله اذان در مباشرت را بررسی کنیم. در بحث قضا مطرح کردیم قضا نیابت بردار است یا نیاز به مباشرت دارد. برخی می‌گویند قاضی مأذون دلیل ندارد و قضاوت باید با مباشرت صورت گیرد.

به نظر ما تأمل آقای حکیم مناسب است. این ادعای صاحب جواهر و آقای خوئی که ادله اذان، ظهور در مباشرت دارد مثل ادله قنوت و نماز که ظهور در مباشرت دارند؛ این مطلب جای تأمل دارد.

در شرع می‌توانیم به اذان غیر که صدای آن را می‌شنویم اکتفا کنیم. این در نماز جماعت خیلی متعارف است. یکی از مأمومین اذان نماز را می‌گوید و امام جماعت آن را می‌شنود؛ این برای نماز امام جماعت کفایت می‌کند. این معنای این جواز اجازه برای اذان می‌شود البته این دلیلی بر جواز به حساب نمی‌آید.

صاحب جواهر اذان را به قنوت قیاس می‌کند؛ البته دلیل او این قیاس نیست. ایشان می‌فرمایند همان‌طور که قنوت را باید با مباشرت انجام داد اذان نماز هم باید با مباشرت انجام شود.

بزرگان می‌فرمایند روایات اذان ظهور در مباشرت دارد. به نظر ما برخی از روایات ظهور در عدم مباشرت دارد. ظهور روایتی مثل موثوقه سماعة در اعم از مباشرت و غیر مباشرت است. روایت این است:

«الحسين بن سعيد عن الحسن اخيه عن زرعة عن سماعة ... قال: ابو عبدالله (ع): لاتصل الغداة والمغرب الا باذان و اقامة» نماز صبح و نماز مغرب را بخوان مگر به اذان و اقامه.

حسین بن سعید و برادر او حسن بن سعید دو برادر از اهل اهواز هستند. این دو برادر شیعه و موثق هستند. زرعة بن محمد،

واقفی است؛ ولی واقفی ثقة است. سماعة بن مهران متهم به وقف است؛ برخی این را اتهام می‌دانند. روایت از جهت سند خوب است. اینکه بنده آن را موثقه گفته‌اند به اعتبار سماعة گفتیم و الا روایت خوبی است. اگر کسی بگوید این روایت اطلاق دارد چه می‌گوییم. اذان و اقامه‌ای که خود شخص گفته باشد یا دیگری گفته باشد. آقای خوئی و صاحب جواهر می‌فرمایند روایات اذان، ظهور در مباشرت دارد؛ این ادعا از چه دلیلی است. ممکن است اینکه بگوییم روایات اذان همه ظهور در مباشرت دارد پس نمی‌توانیم برای اذان اجیر بگیریم؛ چون مباشرت شرط است؛ این مباشرت دشوار است. این ادعای مباشرت مناقشه دارد.

اگر بگوییم قاضی باید مجتهد باشد آیا وکالت می‌تواند به دیگری بدهد یا نه؟ یک بحثی مطرح می‌شود که مجتهد می‌تواند نیابت به دیگری بدهد که عنوان قاضی مأذون مطرح می‌شود.

عدم پذیرش ادعای اصل مباشرت الا ما خرج

ایشان در جایی دیگر کلامی دارند که با کلام ایشان در اذان همخوانی ندارد.

صاحب جواهر در جلد 27 جواهر می‌فرمایند: «قد استفاد من التأمل فی کلام الاصحاب أن الاصل جواز الوكالة فی کل شیء» این که وکالت جواز دارد؛ یعنی مباشرت کنار گذاشته می‌شود و دیگر شرط نیست. ایشان با چه دلیلی این مطلب را مطرح می‌کنند: «کما یومی الی ذلک ذکر الدلیل فیما لا تصح فیه من النص علی اعتبار المباشرة و نحوها، مما یمنع من الوكالة دون ما صححت فیه و لعل مرجع ذلک الی دعوی اشتراط المباشرة و نحوها مما یمنع الوكالة و الاصل عدمها» در موردی که وکالت در آن پیاده نمی‌شود علماً دلیلی از نصوص بر اعتبار مباشرت و مانند آن اقامه می‌کنند. «و لایکفی فی امتناعها ثبوت مشروعیتها حال المباشرة فان ذلک لاینافی عموم ما دل علی جواز الوكالة» ثبوت مشروعیت عمل در حال مباشرت در این که وکالت در آن کار ممنوع باشد کفایت نمی‌کند. این مطلب با عموم آنچه که بر جواز وکالت دلالت می‌کند منافات ندارد.

«إنما ینافی اعتبارها شرطاً و أصالة عدم الوكالة قد انتقطع بثبوت مشروعیتها، کغیره من العقود»

اگر مباشرت به عنوان شرط اعتبار شود با مشروعیت وکالت در آن فعل منافات دارد. اصل عدم وکالت را به دلیل این که عموماً وکالت، مشروعیت آن را ثابت می‌کند، قبول نداریم.

«بل الظاهر الاکتفاء فی اثبات عمومها بنحو قول الصادق (علیه السلام) فی صحیح بن سالم: «ان الوکیل اذا وکل ثم قام عن المجلس فأمره ماض ابدأ و الوكالة ثابتة حتی یبلغه العزل»... و بالجمله من أعطی التأمل حقه فی هذه النصوص و ما شابهها یکاد یقطع بما ذکرنا خصوصاً مع ملاحظة التمسک من الاصحاب فی کل عقد بالعمومات جائزها و لازمها و لیس فی شیء منها سوی ما دل علی مشروعیتها طبیعتاً المقترضی للمشروعیت فی کل فرد من أفرادها التي حلت فیه الطبیعة حتی یعلم فسادها فالحکم الشرعی فی خصوص الفرد الذی هو محل الشک استفاد من الجواز الثابت للطبیعة حینئذ بعد فرض تحقق الاطلاق العرفی الذی لامدخلیة للصحة الشرعیة فیه، فإنها اسم للاعم من الصحیح و الفاسد. و بذلك ظهر لک مشروعیت الوكالة فی کل شیء الا ما علم خروجه...»

ماه رجب نزدیک است. در قیامت خطاب می‌شود این الرجیبون؟ آیا رجیبون فقط شامل روزه‌دارانی خواهد شد که خودشان روزه گرفته‌اند یا شامل کسانی که پول می‌دهند و دیگران به نیابت از آنها روزه می‌گیرند هم می‌شود. بلکه کسانی که خودشان بالمباشرة روزه می‌گیرند آن حالت‌های عرفانی را پیدا می‌کنند؛ اما در دستگاه الهی چگونه محاسبه می‌شود؟ سخن ما این است که کلام صاحب جواهر در بحث اذان را قبول کنیم یا کلام ایشان در بحث وکالت را قبول کنیم. طبق این بیان صاحب جواهر می‌شود اذان هم به وکالت باشد. اگر ایشان بگوید باب اجاره با باب وکالت فرق دارد و من اجاره را صحیح نمی‌دانم؛ اما وکالت را صحیح می‌دانم؛ پاسخ می‌دهیم شما اجاره را بر چه معیاری در اذان اشکال گرفته‌اید؟ از باب این که مباشرت در آن شرط است. در اینجا می‌فرمایید وکالت در همه چیز صحیح است مگر دلیلی دلالت بر عدم صحت آن بکند. اذان هم که عرض کردیم روایت، دلالت بر مباشرت ندارد. نقطه نقل کلام بر روی اشتراط مباشرت است اگر در اذان مباشرت شرط است فرق ندارد وکالت بر آن صورت بگیرد یا مورد اجاره قرار گیرد.

آقای حکیم نسبت به لزوم مباشرت به «لو سلم» تعبیر کردند؛ ولی ما می‌گوییم «ما سلمنا». پس ادله دلالت بر مباشرت نمی‌کند. دقت شود حال که مباشرت در اذان را شرط نمی‌دانیم به این معنا نیست که بگوییم اجاره بر اذان درست است؛ بلکه از مسیر

روایات، اجاره بر اذان را ممنوع کردیم.